



۲۰۱۸/۰۶/۲۶

هدایت الله ذاهب

اصلاح نسل خودشیفتگان

نسل جدید سه برابر بیشتر دچار بیماری اختلال شخصیتی خودشیفتگی (Narcissist personality disorder) از گذشتگان اند و همه گیر شدن روز افزون این بیماری انسان شناسان و روان شناسان را نگران ساخته است. همه گیر شدن این بیماری زمانی اوج گرفت که نویسندگان آغاز به تأکید اعتماد به نفس بیش از حد و مثبت گرایی در کتب خویش تحت عنوان های چون راه های رسیدن به موفقیت، چگونه پولدار شویم، چهار قدم تا موفقیت، در مدت یک ماه مشهور شوید، ده عادت پولداران و غیره کردند. با همگانی شدن و قابل دسترس شدن اینترنت و شبکه های اجتماعی شیوع خود شیفتگی به اوج رسید و نسلی را به بار آورد که تشنه شهرت و بزرگترین دغدغه شان اعتبار دهی به شخصیت خود و ملقب شدن به بزرگی است. اما این اعتماد به نفس اگر چه در ساحه کاری و جلبت وجه کوتاه مدت تا اندازه ممد واقع شد اما در زندگی اجتماعی و روابط درازمدت تأثیر برعکس داشته و نسل از خود راضی را به بار آورد که نتوانستند روابط حسنه با دیگران و مولد جامعه فرد گرا باشند.

خودشیفتگان نسلی هستند که به کوه بالای می روند نه به خاطر اینکه دنیا را ببینند بلکه به خاطر اینکه دنیا آنها را



ببیند. زمانی بود که مردم میزهای کاری، دیوارهای اتاق و بکسک های جیبی خویش را با تصویر فامیل مزین می ساختند ولی امروز تلفون های جیبی مملو از صدها تصویر سلفی و اثاثیه ها است که آماده به رخ کشیدن می باشد. جوانان خود شیفته دگر با بزرگترها نشست و برخاست نکرده بلکه نشست و برخاست با بزرگترها را کسر شأن می دانند زیرا به بزرگترها به دید حقارت می نگرند ولی غافل از

اینکه گوش دادن و گفت و گو با بزرگان به رشد آنها کمک کرده و کسانی که تنها با جوانان همسن خویش نشست و برخاست دارند کمتر به پختگی می رسند. خودشیفتگان احساس یکدلی با دگران را از دست داده، احساسی برای دگران نداشته و ذهناً در درک دیدگاه های دگران مشکل دارند، اما در عین حال تمرکز ادراکی این خودشیفتگان منحصر به این است که چطور خود را با برند ها (brands) ملبس ساخته و قیمت خویش را به دگران بکشند.

رسانه های جمعی با نشان دادن خواب های خود شیفتگی، شهرت و تفاخر، تشویق مردم برای ستاره بودن و دادن احساس تنفر از مجموعه ها به همه گیر شدن این بیماری کمک کرده و حجابی در مقابل درک زندگی مبتذل خود شیفتگی اند. از سوی دیگر رسانه های اجتماعی بهترین مکان برای ابراز و رشد دادن خود شیفتگی است. مردم با نشر چند سطر در رسانه های اجتماعی و گرفتن چند پسند (like) و چند تبصره تحسینی احساس می کنند که قله های علم و دانش را فتح کرده اند و خود شیفته تر می شوند. این لایک ها و تبصره های تحسینی به جای اینکه آنها را تشویق به رشد و کوشش بیشتر کند به آنها حس کامل بودن داده و آنها با باز نشر سطر های گرفته شده از صفحات اینترنتی (که بعضی از سطرها را حتی خودشان درک نمی توانند) معتاد لایک ها و تحسین ها شده و مانع رشد شان می شود. کسانی که علاقه به علم و دانش ندارند با نشر تصویرهای فتوشاپ شده و تغییر داده شده و گفتارهای بلند پروازانه با گرفتن لایک ها و تبصره های تحسینی به شهره های قلابی مبدل می شوند. این لایک ها و تبصره های تحسینی بر علاوه اینکه به خود شیفتگی می افزاید، انسان ها را تنبل ساخته و عادت می دهد تا متقاضی تحسین برای کارهای که خود نکرده اند و چیزی که خود نیستند شوند.

در این میان افزایش قابل ملاحظه در اصلاح گران دینی و اجتماعی نیز به کثرت دیده می شود که کار شان قابل قدر است اما اکثریت این اصلاح گران (که بعضاً به داعیان نیز مسمایند) یا خودشان از بیماری خود شیفتگی رنج می برند (و هیچ گاه حاضر نیستند که کدام نظر خویش را اشتباه بیندارند) و یا مخاطبان خود شیفته خویش را نمی شناسند بناءً گفته هایی که فکر می کنند اصلاحی است تأثیر بر عکس تولید می کند، زیرا خودشیفتگان از نقد و غلط تلقی شدن سخت نفرت دارند و باید طوری مخاطب قرار گیرند که مشکل خویش را درک کرده و سخنان اصلاحی تأثیر گذار باشد.

صادقانه باید اعتراف کرد که شاید شما هم و من هم قربانی این بیماری باشیم پس تقاضایم از شما و از خودم این است که اگر احساس خطر از این بیماری می شود پس به زود ترین فرصت به علاج آن بپردازیم قبل از اینکه تار و پود ما را فاسد سازد و نیت نیک ما برای اصلاح سبب فاسد سازی جامعه شده به تکفیری و تفسیقی مبدل شویم. در خبر است که دانستن مشکل نصف راه حل است، پس به امید بیداری خویش و سایرین از بررسی خویش آغاز می کنیم.



